

پرتو ساقی
(جامع احادیث مشنوی)
دفتر چهارم

دکتر کاظم محمدی

Dr. Kazem Mohammadi

محمّدى وايقانى، كاظم، ۱۳۴۰.

پرتو ساقى (جامع احاديث مثنوى) دفتر چهارم / كاظم محمّدى.

کرج: نجم کبرى، ۱۳۹۲.

۲۷۲ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸ دوره ۸-۳۴-۲۹۰۵-۹۶۴-۹۷۸

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۸-۶

شابک جلد ۴:

ج. ۲-۴ (چاپ اول: ۱۳۹۳)

کتابخانه.

مولوى، جلال الدين محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوى -- نقد و تفسير

مولوى، جلال الدين محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. معلومات -- حديث

مولوى، جلال الدين محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوى -- احاديث

شعر فارسى -- قرن ۷ ق. -- تاريخ و نقد

احاديث در ادبيات فارسى

PIR ۵۳۰۱/۳۵ پ ۴

۱۳۹۲

۸۶۱/۳۱

۳۳۶۸۴۵۲

نام کتاب: پرتو ساقى (جامع احاديث مثنوى) دفتر چهارم

نويسنده: دکتر كاظم محمّدى

انتشارات: نجم کبرى

ليتوگرافى، چاپ و صحافى: شرکت چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف

تیراژ: ۱۰۰۰

سال انتشار: ۱۳۹۳

بهای دوره: ۲۰۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸

شابک جلد چهارم: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۸-۶

فهرست

۹	مقدمه
۱۷	۱-۳۳۷ زین سبب بر انبیا رنج و شکست...
۲۹	۲-۳۳۸ که بلای دوست تطهیر شماست...
۳۰	۳-۳۳۹ گفت عیسی را یکی هشیار سر...
۳۴	۴-۳۴۰ کی کم از برّه کم از بزغاله ام...
۳۵	۵-۳۴۱ من همی دانستم بی امتحان...
۳۸	۶-۳۴۲ ای ندانسته تو شرّ و خیر را...
۳۹	۷-۳۴۳ چرخ پانصد ساله راه ای مستعین...
۴۲	۸-۳۴۴ مصطفی زین گفت کآدم و انبیا...
۴۹	۹-۳۴۵ بهر این فرمود پیغمبر که من ...
۵۴	۱۰-۳۴۶ این نظر از دور چون تیر است و سم...
۶۱	۱۱-۳۴۷ تا بدین ملکی که او دامی ست ژرف...
۶۳	۱۲-۳۴۸ لیک حق بهر ثبات این جهان...

- ۶۴ ۳۴۹-۱۳ تا به پشت آدم اسلافش همه...
- ۶۷ ۳۵۰-۱۴ مغز او خود از نسب دور است و پاک...
- ۸۰ ۳۵۱-۱۵ لیک زین شیرین گیای زهرمند...
- ۸۱ ۳۵۲-۱۶ گر نبودی خصم و دشمن در جهان...
- ۸۲ ۳۵۳-۱۷ خلق ما بر صورت خود کرد حق...
- ۸۸ ۳۵۴-۱۸ چون که آن خلاق شکر و حمد
جوست...
- ۹۰ ۳۵۵-۱۹ هر صباخی چون سلیمان آمدی...
- ۹۲ ۳۵۶-۲۰ کندن گوری که کمتر پیشه بود...
- ۹۴ ۳۵۷-۲۱ ای خدای رازدان خوش سخن...
- ۹۵ ۳۵۸-۲۲ ای خنک آن را که پیش از مرگ مرد...
- ۱۰۰ ۳۵۹-۲۳ نی تو گفתי قائد اعمی به راه...
- ۱۰۲ ۳۶۰-۲۴ هر که گوید کو قیامت ای صنم...
- ۱۰۴ ۳۶۱-۲۵ ورنه باشد اهل این ذکر و قنوت...
- ۱۰۶ ۳۶۲-۲۶ در حدیث آمد که یزدان مجید...
- ۱۱۹ ۳۶۳-۲۷ این چنین سیری ست مستثنی ز جنس...
- ۱۲۲ ۳۶۴-۲۸ هم چنین دنیا اگر چه خوش شکفت...
- ۱۲۴ ۳۶۵-۲۹ از جهان دو بانگ می آید به ضد...
- ۱۲۵ ۳۶۶-۳۰ این پذیرفتی بماندی ز آن دگر...
- ۱۲۸ ۳۶۷-۳۱ مرگ تن هدیه است بر اصحاب راز...
- ۱۲۹ ۳۶۸-۳۲ همچنین تاج سلیمان میل کرد...

- ۱۳۲ ۳۶۹-۳۳ گفت پیغمبر که احمق هر که هست...
- ۱۳۳ ۳۷۰-۳۴ عقل دو عقل است اوّل مکسبی...
- ۱۳۵ ۳۷۱-۳۵ یک سریّه می فرستادی رسول...
- ۱۵۱ ۳۷۲-۳۶ خود ملایک نیز ناهمتا بدند...
- ۱۵۳ ۳۷۳-۳۷ هم تو گفתי این و گفت تو گوا...
- ۱۵۴ ۳۷۴-۳۸ قاضیانی که به ظاهر می تنند...
- ۱۵۹ ۳۷۵-۳۹ از دم حبّ الوطن بگذر مایست...
- ۱۶۱ ۳۷۶-۴۰ در وضو هر عضو را وردی جدا...
- ۱۶۵ ۳۷۷-۴۱ خواب خرگوش و سگ اندر پی
خطاست...
- ۱۶۶ ۳۷۸-۴۲ ورنیاید تیرت از بخشایش است...
- ۱۶۷ ۳۷۹-۴۳ توبه را از جانب مغرب دری...
- ۱۶۹ ۳۸۰-۴۴ هست جنت را از رحمت هشت در...
- ۱۷۶ ۳۸۱-۴۵ هین زمن بپذیر یک چیز و بیار...
- ۱۷۹ ۳۸۲-۴۶ گفت موسی کاوّلین آن چهار...
- ۱۸۰ ۳۸۳-۴۷ آن چنان بگشایدت فرّ شباب...
- ۱۸۳ ۳۸۴-۴۸ هر شبی تا روز زاین شوق هدی...
- ۱۸۴ ۳۸۵-۴۹ گفت هر کس که مرا مرّده دهد...
- ۱۸۶ ۳۸۶-۵۰ یک زنی آمد به پیش مرتضی...
- ۱۸۸ ۳۸۷-۵۱ در حدیث آمد که مؤمن در دعا...
- ۱۸۹ ۳۸۸-۵۲ این فروع است و اصولش آن بود...

- ۱۹۲ ۵۳-۳۸۹ جز عماد الملک نامی از خواص...
- ۱۹۵ ۵۴-۳۹۰ گر ببرد او به قهر خود سرم...
- ۱۹۷ ۵۵-۳۹۱ او ادب ناموخت از جبریل راد...
- ۲۰۶ ۵۶-۳۹۲ آن چنان که گفت پیغمبر ز نور...
- ۲۰۷ ۵۷-۳۹۳ بهر این فرمود آن شاه نبیه...
- ۲۰۸ ۵۸-۳۹۴ گفت رو هر گاو غم دین برگزید...
- ۲۰۹ ۵۹-۳۹۵ صید دین کن تا رسد اندر تبع...
- ۲۱۲ ۶۰-۳۹۶ ز آن نبی دنیات را سخاره خواند...
- ۲۱۳ ۶۱-۳۹۷ بر مسلمانان نمی آری تو رحم...
- ۲۱۵ ۶۲-۳۹۸ صلح کن با این پدر عاقی بهل...
- ۲۱۶ ۶۳-۳۹۹ همچو پیغمبر ز گفتن وز نثار...
- ۲۲۲ ۶۴-۴۰۰ من شنیدم که در آمد قبطی...
- ۲۳۱ ۶۵-۴۰۱ ز آن که در باغی و در جویی پرد...
- ۲۳۲ ۶۶-۴۰۲ گورها یکسان به پیش چشم ما...
- ۲۳۵ ۶۷-۴۰۳ زاین وصیت کرد ما را مصطفی...
- ۲۴۳ ۶۸-۴۰۴ هست آن پندار او زیرا به راه...
- ۲۴۴ ۶۹-۴۰۵ مصطفی می گفت پیش جبرئیل...
- ۲۴۸ ۷۰-۴۰۶ لاتخالقهم حیسی دارهم...
- ۲۵۱ گزیده کتابنامه

مقدمه

السَّلامُ عَلَیْكَ یا رسولَ اللهِ. و علی اهل بیتک الطَّاهِرینِ
المعصومین. سلام بر تو ای رسول هر دو جهان، و سلام بر اهل
بیت پاک تو که فیض بخش عالم و آدمند. توئی روح اوّل و عقل
اوّل و نور اوّل که در نخست بیدار شدی و جهان و هر چه
هست همه از تو ظاهر شده‌اند، توئی که مظهر خدائی و سخنان تو
نیز همه خدائی است و ارزش ما همه در این است که از تو و از
سخنان تو بگوئیم و طبق آن عمل کنیم بلکه خشنودی خدا و
حضرت را در پی داشته باشد.

عشق جوشد بحر را مانند دیگ

عشق ساید کوه را مانند ریگ

عشق بشکافد فلک را صد شکاف

عشق لرزاند زمین را از گزاف

با محمد بود عشق پاک جفت
 بهر عشق او را خدا لولاك گفت
 منتهی در عشق چون او بود فرد
 پس مر او را زانیاء تخصیص کرد
 گر نبودی بهر عشق پاک را
 کی وجودی دادمی افلاك را
 من بدان افراشتم چرخ سنی
 تا غلّو عشق را فهمی کنسی
 ۵، ب ۲۷۴۰-۲۷۳۵

وقتی به سخنان و اشعار برجسته‌ی مولانا را در خصوص پیامبر خدا، محمد مصطفی (ص) می‌نگریم می‌یابیم که شیفتگی او و عشقش به رسول خدا بی اندازه زیاد و ژرف و گسترده است. طبیعی است که از چنین معشوقی هر لحظه نقل حدیث کند و سخنان نغز و بلندش را در جای جای آثارش بیاورد. و هر بار در ذکر سخنان او با یکی از القاب عالی که وی به رسول خدا (ص) نسبت می‌دهد او را توصیف کرده و به بهترین وجه چنان که دوست دارد او را معرفی می‌نماید.

مواردی که در این باره در کتاب مثنوی و در دیوان کبیر هست آنقدر زیاد است که نمی‌توان آن همه را در این مقدمه قرار داد، و لذا به اندکی از آن همه اکتفا می‌کنیم:

- گفت پیغمبر سپهدار غیوب.^۱
 تا بگفته مصطفی شاه نجاج.^۲
 قطب و شاهنشاه و دریای صفا.^۳
 آن که عالم مست گفتش آمدی.^۴
 بهر این فرمود آن شاه نبیه.^۵
 بهر این گفت آن رسول مستجیب.^۶
 بهر این گفت آن رسول خوش پیام.^۷
 بهر این فرموده است آن ذوفنون.^۸
 راست گفته است آن سپهدار بشر.^۹
 ز آن بفرموده است آن نیکو رسول.^{۱۰}
 گفت آن که هست خورشید ره او.^{۱۱}

۱- دفتر ۳، بیت ۴۰۰۴.

۲- دفتر ۶، بیت ۳۵۷۱.

۳- دفتر ۳، بیت ۲۱۹۶.

۴- دفتر ۱، بیت ۲۴۳۲.

۵- دفتر ۴، بیت ۳۱۱۵.

۶- دفتر ۵، بیت ۹۲۵.

۷- دفتر ۶، بیت ۷۵۴.

۸- دفتر ۴، بیت ۵۲۵.

۹- دفتر ۶، بیت ۱۴۵۰.

۱۰- دفتر ۵، بیت ۶۰۵.

۱۱- دفتر ۴، بیت ۳۳۴۳.

۱۲ * پرتو ساقی، جامع احادیث مشنوی

نی بگفته است آن سراج امتان.^۱

راست می فرمود آن بحر کرم.^۲

آن رسول حق و صادق در بیان.^۳

این پیمبر گفت و گفت اوست مهر.^۴

چشم مهتر چون به آخر بود جفت.^۵

آن رسول حق قلاووز سلوک.^۶

این حدیث احمد خوشخو بود.^۷

بهر این گفت آن خداوند فرج.^۸

این ابیات مولانا نگاه وی را به رسول خدا (ص) به طور کامل نشان می دهد که تا چه اندازه به وی توجه و عنایت دارد. و کسی که این ابیات را بخواند نه تنها ارادت مولانا را به رسول خدا در می یابد بلکه خود نیز از این بابت معرفتی بالا را در خصوص آن حضرت پیدا می کند و نیز ارادتی که از این معرفت می خیزد. معرفت ژرف مولانا به رسول خدا باعث عشق ورزی وی است به

۱- دفتر ۴، بیت ۳۲۰۷.

۲- دفتر ۲، بیت ۲۸۵۹.

۳- دفتر ۱، بیت ۳۱۲۵.

۴- دفتر ۳، بیت ۱۳۶۳.

۵- دفتر ۶، بیت ۳۴۷۴.

۶- دفتر ۵، بیت ۱۵۹۳.

۷- دفتر ۵، بیت ۷۴۶.

۸- دفتر ۶، بیت ۲۲۵۲.

آن جان جانان، و اگر برخی این ارادت و محبت را به رسول در خود نمی‌یابند ناشی از جهلشان به آن بزرگ است. و طبیعی است که نور تند و وسیع و بلند آفتاب را هیچ خفاشی در نمی‌یابد و خوش نمی‌دارد، اما مولانا از آفتاب گرایان است و از مداحان خورشید جهان افروز، که:

چو غلام آفتابم هم از آفتاب گویم
نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

مولانا از دو منظر با رسول خدا در آثارش برخورد دارد، یکی از منظر معرفی آن ذات آسمانی و یکی هم از لحاظ بیان سخنان و گفته‌های نغز و پر مغز آن رسول مهربانی و لذا مثنوی و دیوان کبیر و حتی کتاب شریف فیه مافیه را از این بابت مرجعی تام و تمام می‌یابیم و هر سه را یا در وصف رسول و یا در ذکر سخنان شریف وی بسیار پر رنگ می‌بینیم. و این نهایت علاقه و عشقی است که یک فرد می‌تواند به شخص دیگری داشته باشد.

این حدّ از تلاش برای گفتن و نوشتن و سرودن از محبوب بی همتا یعنی باورد داشتن و زیستن با این باور محکم و ریشه دار. بر خلاف مدعیانی که گمان می‌کنند مولانا را شیفته وار دوست دارند ولی هیچ علاقه‌ای به رسول خوبی‌ها ندارند، مولانا همه‌ی عشق و علاقه‌اش خلاصه می‌شود در آن رسول و معرفی این

بزرگِ عالم و سخنان بزرگِ او.

این سخن مولانا در خصوص پیامبر خاتم، حضرت مصطفی (ص) بسیار زیباست که گفته است: پیغامبر (ص) عظیم متواضع بود زیرا که همه‌ی میوه‌های عالم اول و آخر بر او جمع بود، لاجرم از همه متواضع تر بود. ما سبق رسول الله أحد بالسلام، گفت هرگز کسی پیش از پیغامبر بر پیغامبر (ص) نمی‌توانست سلام کردن، زیرا پیغامبر پیش دستی می‌کرد از غایت تواضع و سلام می‌داد و اگر تقدیراً سلام پیش ندادی هم متواضع بودی او بودی و سابق در کلام او بودی، زیرا که ایشان سلام از او آموختند و از او شنیدند، هر چه دارند اولیان و آخرین همه از عکس او دارند و سایه‌ی اویند^۱

و این سخن نیز که در وصف آن محبوب ازلی و ابدی گفته است که: ... پس معلوم شد که اصل محمد بوده است که: لولاک لما خلقت الافلاک، و هر چیزی که هست از شرف و تواضع و حکم و مقامات بلند همه بخشش اوست و سایه‌ی او، زیرا که...^۲

به راستی که با بیان «لولاک» همه‌ی عالم طفیل وجود اویند و در این میان آنان که ارادتی بیش به او می‌ورزند از دیگران بیشتر عنایت می‌بینند و سعادت می‌اندوزند.

۱- فیه ما فیه، ص ۱۰۵.

۲- فیه ما فیه، صص ۱۰۶-۱۰۵.

خام اندیشِ سبکسری که حتی ذره‌ای از خود را نمی‌شناسد و مدّعی مولوی‌شناسی است و او را بالاتر از پیامبر و علی می‌داند عجب است که از دیدن این همه عشق‌بازی مولانا با رسول و ولی خاص کور و نابیناست. و گفتنی است که از این جنس ابلهان در این زمانه به همّت مشتاقان غربی مولانا کم نیستند. آن نابکاران برای گرفتن پیامبر از این جاهلان، مولانا را علّم کرده‌اند و وی را «فرا مذهب» گفته و آئین او را «عشق» دانسته‌اند. آری چنین است، آئین او عشق است اما عشق به چی و کی؟ حتی اگر عاشقِ عشق ورزیدن او هم باشیم و به عشق مذهبی او تأسی کنیم هم باز باید عاشق رسول باشیم که آن حضرت محبوب و معشوق جاودانی مولانا جلال الدّین محمّد خراسانی است. مگر آن که شما از مولوی دیگر سخن گفته باشید که ما نمی‌شناسیم.

این بنده که بیش از سی سال است که با مولانا همراه و همراز بوده، در تمام آثارش عشق به خدا و رسول و ولی را یافته و لا غیر، و در مولانای شما و در خود شما هم هیچ کدام از این حقایق موجود نیست، و من به راستی نمی‌دانم که شما از کدام مولوی سخن می‌گویید؟

باری امید است که این کار پژوهشی که در آن از منابع و مآخذ زیادی برای بیان احادیث نبوی و علوی استفاده کرده ایم مورد توجه مردم فرهیخته‌ی عزیزمان قرار بگیرد تا هم خدمتی به پیامبر و شریعت اسلامی شده باشد و هم عرض ادبی به جناب

۱۶ * پرتو ساقی، جامع احادیث مثنوی

مولانا جلال الدین محمد خراسانی.

کثرت احادیث با قید مآخذ مهم روایی و صوفیانه کافی است که از این اثر کتابی مرجع بسازد که بتوان به سهولت به آن استناد کرد و حدیث گفت. ما نیز این مجموعه‌ی شش جلدی را بخشی از کار پژوهشی خود در شرح و «تفسیر درست مثنوی» قلمداد می‌کنیم و بر این هستیم که مولانا ساحت «دین‌داری» و «دین‌ورزی‌اش» بسیار مهم و قوی بوده که اگر این مقوله در شرح مثنوی و تفسیر ابیات او و در شرح حال و زندگانی آن جناب لحاظ نشود هم خیانتی است به او و هم به مشتاقان او.

و من الله التوفیق

کاظم محمدی